



Humanization of Law of Sea in Perspective of Interaction between Law of Sea and Human Rights

Zahra Sadat Sharegh * 

Researcher, Caspian Climate Basin
Research Center, Mazandaran University,
Babolsar, Iran

Hosein Rezazadeh 

Assistant Professor, International Law,
Faculty of Law, Mazandaran University,
Mazandaran, Iran

Abstract


Since non-compliance with human rights at sea is not tangible to what is happening on land, it does not receive much attention from the international community. While human rights must be taken into account at sea as much as they are on land. Given the fragmentation in international law, the relationship of human rights and law of the sea has provided the necessary grounds for the humanization of the law of the sea. One of the reasons for the fragmentation in international law is the creation of self-contained regimes. Undoubtedly, among these systems are human rights and law of sea, each of which has its own resources and mechanisms, and the collision of these systems with each other in the international system is inevitable. The interaction of the law of the sea with human rights can be seen as an opportunity to develop international law in order to further develop the rule of law. The purpose of the law of the sea is to regulate the relations of states at sea, but our intention is to go in the opposite direction and write about the relation between individual and state in this arena and the interaction between human rights and the law of the sea.

Keywords: Interaction of Human Rights and Law of the Sea, Human Rights, Law of the Sea, Fragmentation of International Law, Humanization of the Law of the Sea.


* Corresponding Author: miss.sharegh71@gmail.com

How to Cite: Sharegh, Z. S., Rezazadeh, H, "Humanization of Law of Sea in Perspective of Interaction between Law of Sea and Human Rights", The Quarterly Journal of Public Law Research, 23(74), (2022), 213-239. doi: 10.22054/QJPL.2021.57588.2538

انسانی شدن حقوق دریاها در پرتو تعامل حقوق بشر و حقوق دریاها

زهرا سادات شارق *  پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه اقلیمی خزر، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

حسین رضازاده 

چکیده

از آنجایی که عدم رعایت حقوق بشر در دریا به ملموسی آنچه در خشکی اتفاق می‌افتد نیست لذا توجه چندانی را از جامعه بین‌المللی دریافت نمی‌کند. در حالیکه حقوق بشر به همان میزانی که در خشکی اعمال می‌گردد در دریا نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. با توجه به وضعیت چندپارگی در حقوق بین‌الملل، برخورد حقوق بشر با حقوق دریاها بسترهای لازم برای انسانی شدن حقوق دریاها را فراهم نموده است. یکی از دلایل چندپارگی در حقوق بین‌الملل، ایجاد نظام‌های خودبسنده و تخصصی است. بدون تردید از جمله این نظام‌ها حقوق دریاها و حقوق بشر می‌باشد که هر یک منابع و مکانیسم‌های مختص به خودشان را داشته و برخورد این نظام‌ها با یکدیگر در نظام بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر است. تعامل حقوق دریاها با حقوق بشر را می‌توان به دید یک فرصت برای توسعه حقوق بین‌الملل نگریست تا بتوان هرچه بیشتر حاکمیت قانون را در آن توسعه داد. هدف از حقوق دریاها تنظیم روابط دولت‌ها در دریا است اما تلاش می‌شود خلاف جهت حرکت کرده و از ارتباط بین فرد و دولت در این عرصه و تعامل بین حقوق بشر و حقوق دریاها سخن گفته شود.

واژگان کلیدی: تعامل حقوق بشر و حقوق دریاها، حقوق بشر، حقوق دریاها، انسانی شدن حقوق دریاها.

مقدمه

گسترده‌گی و آزادی دریاها، جامعه بین‌المللی را برآن داشت تا بر اختیارات دولت‌ها در این فضای بیکران لجام زده و آن را به رشته نظم در بیاورد. این تلاش‌ها نهایتاً در کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) نمود یافت. کنوانسیون حقوق دریاها بی‌شک یک معاهده قانون‌ساز است که از آن بعنوان «قانون اساسی اقیانوس‌ها» نیز یاد می‌شود. این سند متضمن قواعد کلی و جزئی در مورد دریاها است، با این وجود نمی‌توان این معاهده را سند نهایی در حوزه حقوق دریاها دانست. تصویب دو سند، موافقت‌نامه ۱۹۹۴ در مورد بخش یازدهم و موافقت‌نامه ماهی‌های دوکاشانه مؤید این ادعا است. از یک طرف پویایی حقوق بین‌الملل امکان ظهور رژیم‌های جدیدی را در حقوق بین‌الملل فراهم می‌کند و از طرف دیگر همین پویایی زمینه تقابل بین تعهدات را برای دولت‌ها فراهم می‌کند. بعبارت دیگر این امکان وجود دارد که تعهدات ناشی از حقوق دریاها به دلیل چندپارگی در حقوق بین‌الملل با سایر رژیم‌های حقوق بین‌الملل در تقابل و تعارض قرار گیرد. یکی از مهمترین رژیم‌های حقوق بین‌الملل که امکان تقابل بین تعهداتش با حقوق دریاها وجود دارد، حقوق بشر است.

هنجارهای حقوق بشری و حقوق دریاها بعنوان رژیم‌های خودبسنده حقوق بین‌الملل ممکن است با یکدیگر نیز برخورد نمایند. با توجه به ماهیت پویا و زنده حقوق بین‌الملل و باگذشت بیش از سه دهه از تصویب کنوانسیون حقوق دریاها، موضوعات جدیدی در حقوق دریاها مطرح شده است که لازم است حقوق دریاها نیز همگام با این تحولات پیش رود. از جمله این تحولات توجه به رعایت حقوق بشر در دریا است.

برخورد حقوق بشر با حقوق دریاها ممکن است موجبات تعارض میان هنجارهای این دو نظام حقوقی یا تعامل آن‌ها را فراهم نماید. تعارض^۱ عبارت است از: «ارتباط بین دو هنجار که اگر یکی از هنجارها اجرا شود، منجر به نقض دیگری می‌شود».^۲ در مورد مفهوم تعامل یا همکنشی باید عنوان گردد ظهور رژیم‌های مستقل حقوقی مانند حقوق دریاها و حقوق بشر که دارای اصول، اهداف و ساختارهای متفاوتی هستند، از یک طرف منجر به توسعه محاکم و پلورالیسم در حقوق بین‌الملل و از طرف دیگر منجر به

1. Conflict.

2. Joost Pauwelyn, *Conflict of Norms in Public International Law* (United Kingdom: Cambridge University Press, 2003) at 237.

همپوشانی بین هنجارهای این رژیم‌ها می‌شود؛ بعبارت دیگر رژیم‌های مختلف حقوقی در عین تفاوت، دارای دیدگاه‌های مشترکی نیز هستند. وجود اصول و اهداف مشترک میان رژیم‌های حقوقی متفاوت منجر به تأثیرات متقابل، هم‌کنشی و در نهایت تعامل میان آن‌ها می‌شود.^۱ در واقع تعامل عبارت است از سازش میان رژیم‌های حقوقی متفاوت از طریق دیدگاه‌های مشترکی که میان آن‌ها وجود دارد. لذا در این پژوهش به ترتیب، تقابل و تعامل بین تعهدات ناشی از حقوق دریاها و حقوق بشر بررسی می‌شوند. بعبارت دیگر این نکته بررسی می‌شود تا از تقابل بین تعهدات این دو رژیم حقوقی به سمت توسعه حقوق بین‌الملل گام برداریم. در این راستا ابتدا هم‌کنشی حقوق بشر و حقوق دریاها بررسی می‌شوند. متعاقباً ابزارهای هم‌کنشی نظام‌های مذکور بررسی شده و در نهایت انسانی‌شدن حقوق دریاها بعنوان ماحصل این هم‌کنشی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. هم‌کنشی حقوق بشر و حقوق دریاها

ظهور "رژیم‌های خودبسنده یا خاص" که از پرونده *ویمبلدون*^۲ آغاز و با پرونده *گروگان‌گیری*^۳، *کنگو علیه اوگاندا*^۴ و نظریات مشورتی *سلاح هسته‌ای*^۵ و *دیوار حائل*^۶ ادامه یافت؛ تخصصی شدن حقوق بین‌الملل را به همراه داشت. ممکن است در نگاه اول اینطور به نظر رسد که تخصصی شدن حقوق بین‌الملل راه را برای اجرای تعهدات ناشی از چند رژیم به طور خاص رژیم حقوق بشر در کنار سایر رژیم‌های حقوق بین‌الملل در آن واحد فراهم می‌کند؛ کمااینکه در پرونده *سلاح‌های هسته‌ای*، دیوان بین‌المللی دادگستری به لزوم اجرای تعهدات هر دو رژیم حقوق بشر و حقوق مخاصمات مسلحانه

1. Margaret A. Young, *Regime Interaction in International Law: Facing Fragmentation* (Netherlands: University of Leiden, 2011) at 67.

2. PCIJ, *S.S. Wimbledon, U.K./Japan*, (1923), Ser. A, No. 1, at 23-24.

3. ICJ Report, *United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, U.S. v. Iran*, (1980), at 38-41.

4. ICJ Rep. *Case concerning Armed Activities on the Territory of the Congo, DRC v Uganda*, (2005), at 216-217.

5. ICJ Report, *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Advisory Opinion)*, (1996), at 25.

6. ICJ Report, *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Territory*, (Advisory Opinion), (2004), p.106.

تاکید کرد.^۱ اما واقعیت آن است که در تقابل بین تعهدات ناشی از حقوق بشر با سایر رژیم‌های حقوق بین‌الملل بویژه تعهدات ناشی از حقوق دریاها؛ دولت‌ها تعهداتی که بیشتر حاکمیت‌شان را حفظ می‌کند، اولویت قرار می‌دهند. لذا یافتن راه‌حلی برای حل تعارضات بین حقوق بشر با سایر تعهدات از اهمیت بسزایی برخوردار است.

باتوجه به ماهیت خاص حقوق بین‌الملل نسبت به حقوق داخلی، نمی‌توان انتظار داشت که روش‌هایی که برای حل تعارض در حقوق داخلی اعمال می‌شود را در حقوق بین‌الملل پیاده کرد. همانطور که در گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد چندپارگی در حقوق بین‌الملل نیز بیان شده: «تفوق یک معاهده بر دیگری ... نمی‌تواند مبتنی بر سلسله مراتب زمانی باشد ... بلکه این امر نیازمند دقت نظر بیشتری در حل تعارض است.»^۲ گاهی اوقات حتی هیچ‌گونه سلسله‌مراتبی بین منابع حقوق بین‌الملل وجود ندارد، لذا باید به صورت موردی در این باره تصمیم اتخاذ شود.^۳

کاسکنیمی، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، در مورد چندپارگی در حقوق بین‌الملل^۴ در گزارش خود بیان می‌دارد، یک رژیم تنها می‌تواند اعتبار و قدرت الزام‌آورش را از قواعد و اصولی که خارج از آن قرار دارد، دریافت کند. وی معتقد

1. ICJ Report, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Advisory Opinion), (1996), at 9.

2. International Law Commission, "Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, Report of the Study Group of the International Law Commission Finalized by Martti Koskenniemi", UN Doc. A/CN.4/L.682, 2006, para.119.

3. International Law Commission, op. cit., paras 224.

۴. تخصصی شدن حقوق بین‌الملل، منجر به چندپارگی در حقوق بین‌الملل شد که این موضوع اختلاف نظرات بسیاری را در پی داشت. اهمیت این موضوع منجر به آن گردید تا کمیسیون حقوق بین‌الملل مارتی کاسکنیمی را بعنوان گزارشگر ویژه خود برای بررسی موضوع "چندپارگی در حقوق بین‌الملل" انتخاب کند. کار کمیسیون در مورد چندپارگی در حقوق بین‌الملل از سال ۲۰۰۲ میلادی شروع شد و در سال ۲۰۰۶ به پایان رسید ر.ک:

بررسی این موضوع خود نیازمند تحقیق بیشتری است که در این رابطه می‌توانید ر.ک:

International Law Commission, "Fragmentation of international Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, Report of the Study Group of the International Law Commission Finalized by Martti Koskenniemi", UN Doc. A/CN.4/L.682, 2006.

همچنین، ر.ک:

زهره سادات شارق، «حقوق بشر در دریا از منظر رویه قضایی»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، (۱۳۹۸)، صص ۱-۱۹.

است هیچ رژیم‌می به طور کامل خودبسنده نیست و قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل به یکدیگر نیازمندند.^۱ تعارض بین قواعد متفاوت حقوق بین‌الملل در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف حقوق بین‌الملل محتمل الوقوع است. از جمله تعارض حقوق دریاها و حقوق بشر؛ در واقع احتمال تعارض بین رشته‌های حقوق بین‌الملل نسبت به تعارض در قواعد حقوق بین‌الملل عمومی بیشتر است؛ اما آنچه اهمیت دارد آن است که از این تعارضات به نفع توسعه حقوق بین‌الملل استفاده شود.

حقوق دریاها رژیم‌می بسیار پویا و در حال تحول است لذا تقابل بین حقوق دریاها با سایر رژیم‌های حقوقی را می‌توان به عنوان فرصتی برای توسعه حقوق دریاها لحاظ کرد. در واقع چندپارگی در حقوق بین‌الملل را می‌توان بعنوان عاملی برای توسعه حقوق دریاها در نظر گرفت.^۲ در این مورد نباید نقش محاکم بین‌المللی را در ایجاد هماهنگی و توسعه حقوق بین‌الملل از نظر دور داشت. *رزالین هگینز* در سخنرانی‌اش در دهمین سالگرد تأسیس دیوان بین‌المللی حقوق دریاها بیان داشت: «افزایش تعداد محاکم و دیوان‌های جدید، نگرانی در مورد عدم هماهنگی هنجارهای حقوقی و خطر چندپارگی را مطرح می‌سازد اما جای نگرانی نیست. چراکه در طی دهه‌های گذشته، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها به صورت منظم به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در رابطه با مسائل حقوق بین‌الملل و فرآیند رسیدگی استناد کرده است. در مورد چندپارگی در حقوق بین‌الملل نباید بیش از حد بزرگ‌نمایی شود... نهادهای بین‌المللی باید توجه داشته باشند که رویه سایر نهادهای قضایی را نیز مدنظر داشته باشند... آنچه جالب توجه است، تفاوت بین محاکم نیست بلکه تلاش برای مطابقت با حقوق بین‌الملل عمومی است»^۳ در این باره ذکر چند نمونه خالی از فایده نخواهد بود؛ در پرونده ماهی تن که نزد دیوان بین‌المللی حقوق دریاها مطرح گردید آشکارا مشکلات ناشی از اعمال بیش از یک مقرر را به نمایش گذاشت. همین مشکل در پرونده *ماکس پلانت* در مورد تعارض بین کنوانسیون

1. International Law Commission, op. cit., paras 192-194.

2. Marti Koskeniemi and Päivi Leino, "Fragmentation of International Law? Postmodern Anxieties", *Leiden Journal of International Law*, No.15, (2002), at 554.

3. Speech by H.E. Judge Rosalyn Higgins, President of the International Court of Justice, at the Tenth Anniversary of the International Tribunal for the Law of the Sea, 29 September (2006), in <http://www.itlos.org>.

حقوق دریاها با سیستم اتحادیه اروپا نمایان شد. لذا وجود محاکم از باب ایجاد تعادل میان تعهدات، اهمیت بسیار دارد. از طرف دیگر اعمال قواعد حقوق بین‌الملل عام می‌تواند از شدت این تعارضات بکاهد. اما آیا می‌توان در صورت تعارض بین تعهدات ناشی از حقوق دریاها و حقوق بشر در ورای صلاحیت ملی دولت‌ها، قائل به لزوم اجرای تعهدات ناشی از حقوق بشر شد؟

ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بدین عبارت تدوین شده است که: «طرفین معظم باید از حقوق و آزادی ... هرکسی که تحت صلاحیتشان قرار دارد، محافظت کنند». آنچه در اجرای این تعهد لازم است تحت "صلاحیت" دولت قرار گرفتن است. رویه قضایی، تفسیر موسعی از تحت صلاحیت بودن را ارائه داده است؛ گواه این موضوع را می‌توان در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر یافت.

در پرونده *مدودیر علیه فرانسه* شعبه عالی رأی داد که: «چون فرانسه کنترل کامل و انحصاری ولو به صورت دفاکتو بر کشتی وینر و خدمه‌اش از زمان توقیف کشتی به صورت مداوم و بدون توقف اعمال کرده است، خواهان به صورت مؤثر تحت صلاحیت فرانسه در راستای ماده ۱ کنوانسیون قرار داشت».^۱ این رأی مؤکداً در پرونده *هیرسی جاما* بار دیگر تأکید شد.^۲

در پرونده *آندروس علیه ترکیه*، دیوان مفهوم صلاحیت را به حدی توسعه داد که حتی رد و بدل شدن آتش بین دو کشتی پیش از آنکه وارد عرشه کشتی شوند، اعمال صلاحیت در نظر گرفت.^۳ همانطور که واضح است دیگر نمی‌توان اعمال حقوق بشر را محدود به ظرف مکان دانست. بلکه دولت‌ها در هر جایی که اعمال صلاحیت می‌کنند، ملزم به اجرای تعهدات ناشی از حقوق بشر نیز هستند.^۴ شاهد این ادعا، رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده *الاسکینی* است که بیان می‌دارد: اعمال قدرت و کنترل بر فرد نیز

1. ECtHR, *Medvedyev v. France*, (Application No. 3394/03), (2010), para.68.

2. ECtHR, *Hirsi Jamaa v. Italy*, (Application No. 27765/09), (2012), paras.81-82.

3. ECtHR, *Andreou v. Turkey*, (Application No. 45653/99), (2010), para.14.

۴. حوریه حسینی اکبرزاد، اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، گروه حقوق و علوم سیاسی، (۱۳۸۶)، ص ۱۵۵.

منجر به اعمال صلاحیت می‌شود.^۱ اما چگونه می‌توان بین تعهدات ناشی از حقوق بشر و حقوق دریاها هماهنگی برقرار کرد؟

۲. ابزار شناسایی هم‌کنشی بین حقوق بشر و حقوق دریا

لزوم رعایت حقوق بشر در دریا در موارد متعددی مورد توجه نهادهای بین‌المللی قرار گرفته شده است. بعنوان مثال می‌توان به یکی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل اشاره کرد که در آن به لزوم رعایت حقوق بشر در دریا اشاره شده است.^۲ هرچند قضات بین‌المللی صریحاً به ظهور رژیم جدید حقوق بشر افراد در دریا اشاره نکردند اما به نظر یکی از حقوقدانان، اشاره به «لزوم رعایت ملاحظات بشردوستانه» در دریا در رویه قضایی بصورت ضمنی گواه بر ظهور رژیم جدید در حقوق بین‌الملل است.^۳ کنوانسیون حقوق دریاها، سندی است که بیشتر جنبه حاکمیتی دارد و مربوط به روابط بین دولت‌ها است. لذا جای تعجب ندارد که دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، افراد را بعنوان «متعلقات» به کشتی لحاظ کرده است.^۴ با توجه به موضوع، چگونه می‌توان دولت‌ها را ملزم به رعایت حقوق بشر در دریا کرد؟ بعبارت دیگر از طریق چه ابزاری می‌توان بین حقوق بشر و حقوق دریاها ارتباط برقرار کرد؟

۱-۲. دکتین حاشیه صلاحیت ابزاری برای همگام‌سازی تعهدات

دکتین «حاشیه صلاحیت»^۵ مخلوق دیوان اروپایی حقوق بشر است. با این حال هیچ تعریف مشخصی در مورد آن ارائه نداده است و در هر دعوا با توجه به اوضاع و احوال

1. ECtHR, *Al-Skeini v. UK*, (Application No. 55721/07), (2011), para.136.

2. UNSC RES/1816(2 June 2008), para.11.

3. Irimi Papanicolopulu, *International Law and the Protection of People at Sea* (United Kingdom: Oxford University Press, 2018) at 242.

4. ITLOS Report, *M/V "Saiga"*, (No. 2) (*St. Vincent v. Guinea*), (Judgment, 1 July 1999), para.106.

5. Margin of Appreciation Doctrine.

برخی از نویسندگان اصطلاح مذکور را به «حاشیه انعطاف» یا «حاشیه ارزیابی» ترجمه کرده‌اند. ناصر قربان‌نیا، حقوق بشر و بشردوستانه (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷) ص ۳۷۶. برخی دیگر نیز «حاشیه تفسیر» را ترجیح داده‌اند؛ آرامش شهبازی، «هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم در آمریکا در ترازوی حقوق بین‌الملل»، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۴۳، (۱۳۸۹)، ص ۴۷.

مترتب بر دعوای مطروحه به حاشیه صلاحدید استناد کرده است. اما تعریف ماهوی که یکی از حقوقدانان ارائه می‌دهد عبارت است از: «دکترین صلاحدید دولت‌ها با اعطاء یک آزادی، اختیار و یا آزادی عمل به دولت‌ها از یک طرف اطمینانی در جهت حمایت از حاکمیت و منافع ملی آن‌ها را ایجاد می‌نماید و از طرفی دیگر این موضوع را اثبات می‌نماید که ترویج حقوق بشر در عین احترام به منافع ملی دولت‌ها امکان‌پذیر می‌باشد»^۱. نظریه مذکور در واقع این امکان را فراهم می‌کند تا بین منافع عمومی جامعه از یک طرف و حقوق و آزادی‌های افراد از سوی دیگر توازن و تعادل برقرار گردد.^۲ اما نظریه مذکور حتی به تعهدات دولت‌ها نیز توسعه یافته است به طوری که در پرونده *ناد/ دیوان* با اشاره ضمنی به نظریه حاشیه صلاحدید، اقدامات دولت سوئیس برای اجرای قطعنامه شورای امنیت را متناسب با حق *مصطفی ناد/ ندانست*.^۳ در این پرونده دیوان بیان کرد، دولت سوئیس نمی‌تواند با استناد به اینکه بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت ملزم به اجرا بوده، نقض تعهدات را توجیه کند. سوئیس باید دیوان را قانع کند که برای تطبیق تحریم با وضعیت خواهان، تمام اقدامات لازم را انجام داده یا حداقل تلاش خود را کرده است. دیوان ادامه می‌دهد: «... مسئله مهم آن است که دولت سوئیس نتوانسته بین تعهدات خود تعادل و هماهنگی برقرار کند».^۴ لذا به دلیل عدم رعایت اصل تناسب و ضرورت، دولت سوئیس مسئول بوده و در نتیجه مواد، ۴، ۵، ۸ و ماده ۱۳ (جبران خسارت مؤثر) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۵ را نقض کرده است. بنابراین

ر.ک: ایوب عبدی، سید قاسم زمانی، «حاشیه صلاحدید دولت‌ها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوق عمومی، شماره ۵۵، (۱۳۹۶)، ص ۶۳.

۱. یاسر امین رعایا، نقش دکترین صلاحدید در تفسیر معاهدات بین‌المللی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، (۱۳۹۶)، ص ۵۴.

۲. عبدی و زمانی، همان ص ۵۴.

3. ECtHR, *Nada v. Switzerland*, (Application No. 10593/08), (12 September 2012), para.197.

4. *Ibid.*, para.197.

5. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (European Convention on Human Rights, as amended) (ECHR), 1950, Arts.4,5,8,13.

دولت‌ها بر اساس دکترین "حاشیه صلاحدید" ملزم هستند تا بین تعهدات خود با تعهدات ناشی از حقوق بشر تعادل برقرار کنند.

پرونده *وومن آن ویو* نیز یکی از مهم‌ترین پرونده‌هایی است که در آن نظریه حاشیه صلاحدید مورد استناد قرار گرفت. در پرونده مذکور دولت پرتغال اعمال آزادی بیان را در محدوده دریای سرزمینی به منظور حفاظت از منافع جمعی ممنوع اعلام کرد.^۱ پرونده "وومن آن ویو" روایت اعمال آزادی بیان توسط یک سازمان هلندی به همین نام در مورد حق تمتع جنسی و باروری بود که قصد ورود به دریای سرزمینی دولت پرتغال به منظور اعمال آزادی بیان در مورد سقط جنین بوسیله کشتی هلندی *برندیپ* را داشت. ممنوعیت ورود به منطقه دریایی در پرونده اخیر با اعمال دکترین حاشیه صلاحدید منتج به نتیجه گردید.^۲ دیوان به پرونده *آپلی* استناد کرد که در آن بیان داشت اعمال آزادی بیان «به صورت خودکار منجر به حق ورود به ملک خصوصی یا حتی اموال عمومی نمی‌شود».^۳ در پرونده مذکور دیوان به این نتیجه رسید که دریای سرزمینی دارای ماهیت عمومی و باز است و بر اساس مواد ۱۹ و ۲۵ کنوانسیون حقوق دریاها سایر کشورها از حق آزادی عبور و سایر آزادی‌ها برخوردارند که آزادی بیان (ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) نیز از جمله این حقوق محسوب می‌شود.^۴ لذا دیوان به این نتیجه می‌رسد که پرتغال بر اساس اصل "حاشیه صلاحدید" باید اقدامات متناسب با خطر را اتخاذ می‌کرد. عبارت دیگر پرتغال می‌توانست به اقدامات دیگری به غیر از ممنوعیت ورود به دریای سرزمینی متوسل شود. نهایتاً دیوان بیان داشت که پرتغال نمی‌تواند به منظور حفاظت از نظم عمومی حق آزادی بیان را نقض کند. دیوان، پرتغال را ملزم می‌داند تا بر اساس نظریه حاشیه صلاحدید بین تعهداتش تعادل برقرار نماید.^۵ عبارت دیگر در پرونده مذکور دیوان بصورت صریح یا ضمنی با استعانت از "نظریه حاشیه صلاحدید" بر لزوم توجه به تعهدات حقوق بشری تأکید داشت.

1. ECtHR, *Women on Waves et autres c. Portugal*, (Application No. 31276/05), (Judgment of 3 February 2009), para.47.

2. Ibid.

3. Ibid., para.40.

4. Ibid., paras.15-16.

5. Ibid., para.43.

اگرچه در کنوانسیون حقوق دریاها صریحاً به اعمال حقوق بشر اشاره‌ای نشده است اما این موضوع از منظر قضایی شناسایی شده است. در سال ۱۹۴۹ دیوان بین‌المللی دادگستری رأی داد که دولت آلبانی متعهد است بر اساس اصول شناسایی شده و کلی، ملاحظات ابتدایی بشردوستانه را چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ اجرا نماید.^۱ در آرای سال ۱۹۹۹ و ۲۰۱۵ دیوان بین‌المللی حقوق دریاها اعلام کرد که «ملاحظات انسان‌دوستانه در حقوق دریاها همانند سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل باید اجرا گردد».^۲ در واقع در این پرونده دیوان به صورت ضمنی به نظریه حاشیه صلاحدید اشاره کرده است تا دولت‌ها در اجرای تعهداتشان، سایر تعهدات را نیز مدنظر داشته باشند؛ عبارت دیگر در عرصه بین‌الملل، دولت‌ها نمی‌توانند یک تعهد یا حق را بدون توجه به سایر تعهداتشان اعمال نمایند، هرچند هدفشان مشروع باشد. در کنار نظریه حاشیه صلاحدید که به دولت‌ها در اجرای هماهنگ تعهدات کمک می‌کند، تفسیر تکاملی نیز نقش مهمی در هم‌راستایی بین تعهدات ناشی از حقوق بشر و حقوق دریاها ایفا می‌کند.

۲-۲. تفسیر بعنوان ابزاری برای همگام‌سازی

در صورتی که دو تعهد مغایر مطرح شوند، دولت‌ها چاره‌ای ندارند جز آنکه یک تعهد را نقض کنند. ممکن است در نگاه اول تعارض بین تعهدات وجود داشته باشد، اما می‌توان با ابزار تفسیر از آن پیشگیری کرد. لذا نگاهی به رویه قضایی گویای آن است که محاکم سعی دارند تا با استفاده از ابزار هماهنگ‌سازی از تعارض بین قواعد حقوق بین‌الملل پرهیزند. کمیسیون حقوق بین‌الملل معتقد است که تا حد امکان باید از نقض قواعد و کنار گذاشته شدنشان اجتناب کرد مادامی که می‌توان با استعانت از ابزار حقوق بین‌الملل بین آنها همسازی برقرار کرد. در واقع اکثر حقوقدانان برای حل تعارض و چندپارگی در حقوق بین‌الملل به ابزار تفسیر در کنوانسیون وین (۱۹۶۹) مواد ۳۱ و ۳۲ استناد می‌کنند. تفسیر، یک روش اصلی برای کاهش مشکلات ناشی از چندپارگی در حقوق بین‌الملل است. محاکم برای تفسیر قواعد به سایر هنجارهای حقوق بین‌الملل استناد می‌کنند. با

1. ICJ report, Corfu Channel (U.K. v. Albania), (1949), para.22.

2. ITLOS Report, The "Enrica Lexie" Incident (Case No. 24) (Italy v. India), (Order of Aug. 24, 2015), para.133. & M/V Saiga (No. 2) (St. Vincent v. Guinea), (Judgment of July 1, 1999), paras.143 -155.

توجه به آنکه حقوق بین‌الملل، رشته‌ای پویا و در حال تحول است لذا برداشتی ایستا از قواعد و مقررات اسناد بین‌المللی پاسخگوی تحولات حقوق بین‌الملل نیست. در این زمان است که تفسیر تکاملی یا تفسیر پویا مطرح می‌شود. در مقابل این تفسیر؛ تفسیر ایستا قرار دارد که بر اساس آن، اصطلاحات در طول زمان تغییر معنا نمی‌دهند.

۱-۲-۲. تفسیر تکاملی از نظر تا عمل

حقوقدانان در مورد تفسیر تکاملی، نظریات متفاوتی ارائه داده‌اند. از یک طرف برخی معتقدند که تفسیر تکاملی می‌تواند بعنوان ابزاری برای ایجاد قواعد جدید بکار رود^۱ و از طرف دیگر بر آن هستند که ابزاری برای کاستن از تعارضات و چندپارگی در حقوق بین‌الملل است؛^۲ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در گزارش خود در مورد چندپارگی در حقوق بین‌الملل، هر دو نظر را پذیرفته است.^۳ گرچه کمیسیون، تفسیر را "هنر می‌داند تا یک ابزار"^۴؛ با این حال دیوان اروپایی حقوق بشر، تفسیر را فن و ابزاری برای حفاظت از حقوق بشر معرفی می‌نماید.^۵ در واقع به کمک همین ابزار تفسیر تکاملی است که می‌توان تعارضات را حل و فصل کرد.

محاکم برای تفسیر به ابزار مشترک تفسیر استناد می‌کنند. از جمله اصل مؤثر بودن^۶ و تفسیر در پرتو هنجارهای حقوق بین‌الملل عمومی؛^۱ دیوان اروپایی حقوق بشر بمنظور

۱. محمد حبیبی مجنده، ساناز کامیار راد، «قاعده‌سازی در دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای تفسیر پویا»، مجله حقوق بین‌الملل، دوره ۳۵، شماره ۵۸، (۱۳۹۷)، ص ۶۸.

۲. محسن محبی، وحید رضادوست، «تفسیر تکاملی معاهدات در حقوق بین‌الملل در پرتو قضیه اختلاف در خصوص کشتیرانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۲، شماره ۵۳، (۱۳۹۴)، ص ۱۳.

3. Ilc Reports, UN Doc. A/CN.4/L.682, paras.49-61.

4. Ibid., para.67.

5. ECtHR, Cyprus v. Turkey, (Application No. 25781/94), (Judgment of 10 May 2001), para.78.

۶. اصل تفسیر مؤثر یک قاعده کلی تفسیر در حقوق بین‌الملل، با عنوان اصل اثر مفید می‌باشد که در تفسیر و اجرای انواع معاهدات اعمال می‌گردد، هر چند که کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات به طور صریح به این اصل اشاره‌ای نمی‌کند.

نقیسه پارسانیا، اصول تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۱۳۸۹)، ص ۸۶.

کاهش مشکلات ناشی از چندپارگی در حقوق بین‌الملل عمومی، اصول تفسیری را با توجه به هنجارهای حقوق بین‌الملل در رویه قضایی‌اش توسعه داده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حق عبور از دریای سرزمینی هند، بیان می‌دارد: «این یک قاعده حقوق بین‌الملل است که یک متن ناشی از تعهدات دولت باید مطابق با حقوق موجود تفسیر شود نه متناقض با آن»^۲؛ دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از پرونده‌ها بیان می‌دارد: «کنوانسیون را نمی‌توان به صورت مضیق تفسیر کرد. دیوان باید در مورد ویژگی خاص معاهدات حقوق بشری هوشیار باشد و باید قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل را لحاظ کند. کنوانسیون (اروپایی حقوق بشر) باید تا حد امکان به نحوی تفسیر شود که با سایر قواعد حقوق بین‌الملل... در توازن باشد»^۳.

بر این اساس، در تفسیر یک معاهده «باید علاوه بر توجه به متن... به هر قاعده مرتبط حقوق بین‌الملل که در روابط بین طرفین قابل اعمال باشد، نیز توجه کرد». لذا تفسیر و اعمال متحدالشکل قواعد حقوق بین‌الملل می‌تواند حاصل شود. با این وجود، گرایش یکسان به تمام موضوعات بین محاکم متفاوت نه شدنی است و نه ضروری؛ در مقابل، آنچه ضروری می‌باشد آن است که هر دادگاه باید هنگامی که با پرونده‌هایی از این دست برخورد می‌کند، هر دو رژیم حقوقی را مدنظر داشته باشد؛ بعبارت دیگر زمانی که محکمه‌ای نقض حقوق بشری را در بستر دریا مورد توجه قرار می‌دهد، حقوق دریاها و حقوق بشر را بعنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از یکدیگر مدنظر قرار دهد.

ارتباط بین حقوق بشر و حقوق دریاها عمدتاً در دریای آزاد اتفاق می‌افتد اگرچه دریای آزاد متعلق به هیچ کس نیست اما این به معنای آن نیست که دولت‌ها رها از قید و بند تعهداتشان هستند. لذا دولت‌ها باید مقررات حاکم بر اقیانوس‌ها و مقررات حقوق بین‌الملل عمومی که بدون شک حقوق بشر نیز بخشی از آن است را اجرا نمایند.^۴

1. Ilc Reports, UN Doc. A/CN.4/L.682, para.412.

2. ICJ Report, the Right of Passage over Indian Territory (Preliminary Objections) (Portugal v. India), (1957), para.142.

3. ECtHR, McElhinney v. Ireland, (Application No. 31253/96), (Judgment of 21 November 2001), para.36 & Al-Adsani v. the United Kingdom, (Application no. 35763/97), (Judgment of 21 November 2001), ECtHR, p.100, para. 55.

4. E. Papastavridis, "The Right of Visit on the High Seas in a Theoretical Perspective: Mare Liberum v. Mare Clausum Revisited", (2011), Leiden Journal of International Law, Vol. 24, iss.1, at 52.

۲-۲-۲. تفسیر تکاملی پلی میان حقوق بشر و حقوق دریا

دیوان اروپایی حقوق بشر، آزادی دریاها را در کنار سایر تعهدات حقوق بین‌الملل بویژه حقوق بشر مورد توجه قرارداد و چنین تفسیر کرد که آزادی دریا به معنای بی‌قانونی آن نیست. پیش از آن نیز در پرونده *مدودیو علیه فرانسه* دیوان بیان کرد که: «ماهیت خاص دریاها نمی‌تواند یک فضای بدون قانون را توجیه نماید...»^۱ در واقع دیوان، اصول حقوق دریاها را در کنار سایر قواعد حقوق بین‌الملل و همگام با توسعه حقوق بین‌الملل تفسیر کرده است.

با توجه به تفاوت ماهیتی که بین تعهدات حقوق بشری با تعهدات ناشی از حقوق دریاها وجود دارد، هرگونه اقدام برای وارد کردن حقوق بشر در دریا گام مهمی محسوب می‌شود اما واقعیت آن است که حقوق بشر بخش ذاتی سیستم حقوق دریاها است و باید در تمام موضوعات حقوق دریاها مورد توجه قرار گیرد. در واقع توجه به این موضوع در رویه قضایی بسیار نمود یافته است. در همین راستا، محاکم می‌توانند از طریق توسل به تفسیر تکاملی (ماده ۳۱(۳)(C)) کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات بین تعهدات متفاوت همسازی برقرار کنند. این موضوع در رویه قضایی نیز نمود یافته است.

پرونده معروف *سایگا* را شاید بتوان اولین پرونده‌ای دانست که لزوم توجه به حقوق بشر در دریا را در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها پذیرفت. شاید بتوان این رای را پیروی از رای دیوان بین‌المللی دادگستری و نخستین گام دیوان برای به رسمیت شناختن رعایت حقوق بشر در دریا دانست. در واقع نگاه دیوان مبتنی بر آینده‌پژوهی تأثیر حقوق بشر در حقوق دریاها بوده است.^۲ توجه به ملاحظات حقوق بشری توسط دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، در آرای بعدی بویژه در آزادسازی سریع و بازداشت یا سایر اقدامات خصمانه علیه افراد ادامه یافت.^۳ بعنوان مثال در پرونده *تمیمارو*، دیوان بیان داشت که توقیف کشتی «نباید از طریق فرآیندی مغایر با استانداردهای بین‌المللی دادرسی عادلانه صورت

1 ECtHR, *Medvedyev and others v. France* (Application No. 3394/03), (2010), para.81.

2 ITLOS report, *M/V "Saiga", (No. 2) (St. Vincent v. Guinea)*, (Order of 1998), (Dissenting Opinion of Judge Ndiaye), para.90.

3 ITLOS report, *The 'Juno Trader' (No.13) (Saint Vincent and the Grenadines v. Guinea-Bissau)* (Prompt Release, Judgment of 18 December 2004), para.77.

بگیرد». در پرونده لوئیزا، دیوان مؤکداً بیان داشت: «دولت‌ها باید تعهداتشان را بر اساس حقوق بین‌الملل، بطور خاص حقوق بشر و ملاحظات دادرسی عادلانه در تمام اوضاع و احوال انجام دهند».^۱

اما ملاحظات مربوط به رعایت حقوق بشر صریحاً در برخی از آرای دیوان بین‌المللی حقوق دریاها مانند پرونده آرکتیک سانرایز صریحاً بیان نگردید؛ بنابراین این موضوع از آن جهت اهمیت بسیار داشت که پرونده، مربوط به بازداشت و توقیف کشتی و دریانوردان می‌شد. در پرونده آرکتیک سانرایز، هلند ادعا کرد که این اقدام نقض حقوق بشر و نقض حقوق دریاها بود و کشتی باید با سپردن وثیقه آزاد شود.^۲ (در این پرونده برای آزادسازی کشتی، هلند تنها از دیوان صدور دستور موقت را درخواست نمود) در این راستا توجه به ملاحظات حقوق بشری در سایر محاکم داوری نیز به پیروی از دیوان بین‌المللی حقوق دریاها ادامه یافت.^۳

۳. انسانی شدن حقوق دریاها در پرتو تعامل حقوق بشر و حقوق دریاها

انسانی شدن حقوق دریاها که محصول تعامل حقوق بشر و حقوق دریاهاست به معانی توجه به ملاحظات انسانی در روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در دریاها می‌باشد.^۴ در این راستا شناسایی بستر و زیر بستر دریای آزاد بعنوان میراث مشترک بشریت، نقطه اوج نفوذ مولفه‌های حقوق بشری در حقوق دریاها محسوب می‌شود. مفهوم "میراث مشترک بشریت" معمولاً انتقال دهنده مفهوم منابع متعلق به جامعه بین‌المللی یا سهم مشترک آنها است. استفاده از لغت "میراث" بجای "مال" بدان خاطر بود که به دولت‌ها یادآور شود بهره‌برداری از این منابع باید به نحوی باشد که بتوان آن را

1. ITLOS report, The M/V 'Louisa' Case (No.18) (Saint Vincent and the Grenadines v. Kingdom of Spain) (Judgment of 28 May 2013), para.155.

2. ITLOS Report, The Arctic Sunrise Case(no.22) (Kingdom of the Netherlands v. Russian Federation) (Provisional Measures, Order of 22 November 2013), para.33.

3. PCA report, The Arctic Sunrise Arbitration (Netherlands v. Russia), (Award of 14 August 2015), para.191.

۴. حسین شریفی طراز کوهی، فاطمه فتح‌پور، «الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۹، شماره ۲، (۱۳۹۶)، ص ۲۱۶.

به نسل بعد انتقال داد.^۱ اصطلاح اشتراک در میراث مشترک بشریت به منافع جمعی جامعه بین‌المللی اشاره دارد. برونو سیما جمعی را چنین تعریف می‌کند: «توافق برای احترام به ارزش‌های اساسی خاص که نمی‌تواند در اختیار آزاد دولت‌ها بصورت فردی یا جمعی قرار گیرد بلکه بعنوان موضوع مربوط به کلیه دولت‌ها بوسیله حقوق بین‌الملل مورد شناسایی و تضمین قرار گیرد».^۲ هر چند این تعریف چندان دقیق نبوده و نمی‌توان برای منافع جمعی تعریف دقیقی ارائه داد اما اهمیت توجه به منافع جمعی در حال حاضر غیرقابل انکار است.

مطرح شدن منافع جمعی^۳ در جامعه بین‌الملل منجر به تغییر حقوق بین‌الملل شد. در سال ۱۹۹۴، برونو سیما اذعان داشت: «افزایش آگاهی در مورد منافع جمعی جامعه بین‌المللی که منظور از جامعه نه تنها دولت‌ها بلکه بشر نیز هست، ماهیت حقوق بین‌الملل را عمیقاً تغییر داد».^۴ به راستی حقوق بین‌الملل وارد مرحله‌ای شده است که نه تنها دولت‌ها بلکه بشریت را نیز دربرمی‌گیرد. قاضی ترینداد در این مورد اذعان می‌دارد: «افزایش آگاهی در مورد ارزش مشترک منافع مشترک منجر به تغییر اساسی در دورنمای حقوق بین‌الملل در دهه گذشته شده است».^۵

استفاده از "بشریت" بجای "تمام دولت‌ها" در حقوق بین‌الملل دریاها گامی مهم و قابل توجه در توسعه حقوق دریاها و حقوق بشر بود اما سؤالاتی چند به همراه داشت. آیا

1. Siavash Mirzaee, "The Conceptual Foundations of the Common Heritage of Mankind", (2017), University of Russia, at 52.

2. Simma, op.cit., at 233.

۳. مراد از منفعت در نسل سوم حقوق بشر، منفعت جمعی است که در نظریه جوزف رز، حق جمعی را واجد خصایص ذیل دانست: ۱- منافع افراد بشر وضع تکلیف بر افراد دیگر را توجیه می‌کند؛ ۲- مراد از منافع همان منافع افراد، بعنوان اعضای گروه در خیر عمومی است که موجب تکلیف دیگران به فراهم آوردن این خیر و نیز حق آنان بر آن خیر است؛ ۳- منفعت هر یک از افراد به تنهایی برای وضع تکلیف یاد شده بر دیگران کافی نیست. بعنوان مثال می‌توان گفت که منفعت جامعه بر محیط زیست سالم منجر به تکلیف بر دولت می‌شود.

محمد راسخ، «رویکرد نظری بر مفهوم حق نسل سوم»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۳۹، (۱۳۹۲)، ص ۱۸۳.

4. B.Simma, *From Bilateralism to Community Interest in International Law* (Netherland: Recueil des Cours de l'Académie de Droit International, 1994) at 234.

5. A.A.cancando.Trindade, *International Law for humankind: Toward New Jus Centum* (Netherland: Recueil des Cours de l'Académie de Droit International, 2005) at 35.

استفاده از لفظ "بشریت" به معنی مطرح شدن تابعان جدید در حقوق بین‌الملل است؟ آیا منافع بشریت از منافع تمامی دولت‌ها متمایز است؟ اسناد بین‌المللی و حقوق دریاها به این پرسش پاسخی نداده‌اند؛ اما رژیم حقوق دریاها بر اهمیت مفهوم "بشریت" افزود. در واقع گامی بود تا بشریت موضوع جدید در حقوق بین‌الملل باشد.^۱

اصطلاح "بشریت"^۲ اعم از نسل‌های حال و آینده، مفهوم نوینی از مالکیت عمومی به دست می‌دهد که ناشی از شکل‌گیری بشریت بعنوان یک شخصیت حقوقی بر اساس منافع مشترک می‌باشد.^۳ مقصود از بشریت "نوع انسان" است یعنی تمام اعضای جامعه انسانی و همچنین به نسل‌های فعلی و آتی بشر نیز اشاره دارد. در این مفهوم حقوق بین‌الملل بدنبال تحقق هدف‌های عالی مشترک در میان کل بشریت می‌باشد^۴ و لذا ارجاع به بشریت ارجاع به آن بعنوان یک کل، در رابطه با مسائل مربوط به منافع مستقیم، مشترک و عمومی تفسیر شده است.^۵

در واقع حقوق بین‌الملل به سمتی در حال پیشروی است که بشر در کنار دولت موضوع حقوق بین‌الملل قرار گیرد. در واقع دولت‌ها دیگر تنها موضوع قانون‌گذاری و توجه حقوق بین‌الملل نیستند بلکه فرد یا گروهی از افراد و بیش از آن بشریت بعنوان موضوع حقوق بین‌الملل هستند. این بدان معنا نیست که بشریت جانشین دولت می‌شود بلکه گویای پیدایش موضوع جدیدی در حقوق بین‌الملل برای قانونگذاری و توسعه حقوق بین‌الملل است. اشاره به حقوق مشترک بشریت در معاهدات متعددی قابل مشاهده

1. Ernst Fasan, "The Meaning of the Term Mankind in Space Legal Language", (1974), Journal of Space Law, Vol. 2, p.125. & Philip Alston, "A Third Generation of Solidarity Rights: Progressive Development or Obfuscation of International Human Rights", Netherlands International Law Review, (1982), p.307.

2. Humankind.

۳. محمد شریف، گذار از حقوق بین‌الملل به حقوق بشر (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳) ص ۱۷۹.

۴. هدایت اله فلسفی، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل (تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۶) صص ۴۳۲-۴۳۳.

۵. یوسف فرزانه، انسانی شدن حقوق بین‌الملل در پرتو نظریه مسئولیت حمایت با تأکید بر دیدگاه اسلام، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه پیام نور، رشته حقوق بین‌الملل عمومی، گروه الهیات و حقوق اسلامی، (۱۳۹۳)، ص ۹۳.

است. بعنوان مثال مفهوم میراث مشترک بشریت در کنوانسیون مربوط به حفاظت از فرهنگ جهانی و میراث طبیعی یونسکو ۱۹۷۲ درج شده است.^۱

حفاظت از منافع جمعی نیازمند اقدام جمعی دولت‌ها است چون چنین منافعی دربرگیرنده نیازهای ضروری برای نجات بشریت در کل است. لذا در این موارد اصل تقابل کاربرد ندارد. حفاظت از منافع جمعی در حقوق بین‌الملل دریاها از اهمیت زیادی برخوردار است که اصل تقابل در معنای سنتی آن نمی‌تواند کاربرد داشته باشد.

شاید بتوان مهم‌ترین شکل حقوق جمعی را در اعلام بستر و زیر بستر دریاها بعنوان میراث مشترک بشریت دانست که در سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل توسعه یافت.^۲ در واقع عرصه دریاها محیطی است که در آن سه اصل حاکمیت، آزادی و میراث مشترک بشریت علی‌رغم تعارض با یکدیگر در تعامل قرار دارند. اصل میراث مشترک بشریت اساساً یک مفهوم حقوق بشری است و در راستای تضمین حقوق بشر بوجود آمده است اما بدو در حقوق دریاها نمود یافت. کنوانسیون متذکر می‌شود که حقوق و منافع ناشی از منطقه متعلق به بشریت در کل است که از طرف بشریت، مقام بین‌المللی بستر دریاها اداره آن را بر عهده دارد؛ بنابراین توسعه منابع منطقه باید به نفع بشریت در کل انجام گیرد.^۳ (بر اساس ماده ۳۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها اصل مدون در ماده ۱۳۶ غیرقابل اصلاح است).

در مورد خاستگاه مفهوم میراث مشترک بشریت می‌توان به سندی که توسط اداره امور دریایی و حقوق دریاها در سال ۱۹۹۶ منتشر شده استناد نمود. در این سند اصول کلی در رابطه با کاربرد صلح‌آمیز و منصفانه از بستر و زیر بستر دریاها در منطقه فراتر از صلاحیت ملی منتشر گردید. طبق این سند: «مشکل است تا دقیقاً تعیین کنیم چه زمانی مفهوم میراث مشترک بشریت برای اولین بار بکار رفت. این ایده می‌تواند از زمان باستان نشأت گرفته باشد». با این حال این مفهوم بعد از جنگ جهانی دوم در مفهوم جدید آن مورد توجه قرار گرفت. در قطعنامه شماره ۱۵ اجلاس صلح جهانی در جولای ۱۹۶۷ اذعان داشت: «در حالی که فناوری و اقیانوس‌شناسی جدید امکان اکتشاف منابع بیکران دریای‌های آزاد و منابع بستر دریای ورای فلات قاره‌ها را می‌دهد و بیش از نیمی از انسان‌ها در

1. Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972, Art.1-2.

2. Edwin Egede, *Common Heritage of Mankind* (United Kingdom: Oxford University, 2014) at 10.

3. UNCLOS, Art.153(1)

شرایط فقر و توسعه نیافتگی بسر می‌برند؛ دریای آزاد میراث مشترک کل بشریت است و اجلاس تصمیم گرفته است که ... بستر دریاها موضوع صلاحیت و کنترل سازمان ملل متحد باشد.^۱

در نهایت در اجلاس سوم حقوق دریاها، مفهوم میراث مشترک بشریت در مورد بستر و زیر بستر دریاها فراتر از صلاحیت ملی دولت‌ها از طرف جامعه بین‌المللی بطور رسمی مورد شناسایی قرار گرفت. در واقع میراث مشترک بشریت نه جامعه بین‌المللی بلکه بشریت در کل را مدنظر داشت که عدالت توزیعی نیز بر آن گواه است. این مهم به خوبی در اهداف مقام برای تأمین منافع مشترک بشریت نمود یافته است. در واقع مقام نه از طرف دولت‌ها بلکه از طرف بشریت وظیفه اداره منابع بستر و زیر بستر دریا را بر عهده دارد.

نتیجه‌گیری

چندپارگی در حقوق بین‌الملل ناشی از تخصصی شدن حقوق بین‌الملل می‌باشد و این امر زمینه تعارض بین قواعد حقوق بین‌الملل را فراهم می‌کند. کاسکنیمی در گزارش خود، پدیده چندپارگی را مورد مذمت قرار نداد، بلکه این قواعد خاص را پاسخی به نیازهای خاص دانست.^۲ اما مهم آن است تا در صورت تعارض بین رژیم‌های حقوق بین‌الملل، با توسل به ابزار حقوق بین‌الملل از جمله تفسیر تکاملی از شدت تعارضات کاست.

دیوان بین‌الملل دادگستری در نظر مشورتی نامیبیا نیز با صراحت بیشتری بر تفسیر تکاملی صحه گذاشته و اعلام داشت: «مفاهیم مندرج در ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل شامل "شرایط دشوار دنیای مدرن"، "رفاه و توسعه" و "رسالت مقدس تمدن انسانی" مفاهیمی ایستا و ساکن نیستند بلکه این مفاهیم در گذر زمان تکامل پیدا می‌کنند ... همچنین یک سند بین‌المللی باید بر اساس کل سیستم حقوقی موجود در زمان اجرا تفسیر شود».^{۳/۴}

1. UN Doc. A/C. 1/952, October 31, 1967.

2. Ilc reports, UN Doc. A/CN.4/L.682, paras.14-15.

3. ICJ Reports Legal Consequence for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (Advisory Opinion) (1971), para.53.

۴. منظور دیوان، عبارت رسالت مقدس تمدن انسانی در بند ۱ ماده ۲۲ می‌باشد. بند اول ماده ۲۲ میثاق: ۱- در مورد مستعمرات و سرزمین‌هایی که پس از جنگ از یوغ حاکمیت کشورهای که پیش از این بر آنان تسلط داشته، خارج شده‌اند و سکنه آن اقوامی هستند که در اوضاع و احوال سخت دنیای امروز هنوز توانایی اداره خود را ندارند، اصل

علاوه بر موارد مذکور دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌های متعددی شامل قضیه فلات قاره دریای اژه میان یونان و ترکیه در سال ۱۹۷۸، قضیه اختلاف در خصوص کشتیرانی و حقوق مربوط به آن در سال ۲۰۰۹ میان کاستاریکا و نیکاراگوئه و قضیه کارخانه خمیر کاغذ در سال ۲۰۱۰ میان آرژانتین و اروگوئه از تفسیر تکاملی یا پویا استفاده نمود.^{۲/۱}

در واقع هدف از توسل به تفسیر تکاملی، بدست آوردن ارتباط بین حقوق بشر و حقوق دریاها است. کمیسیون حقوق بین‌الملل بدرستی بیان می‌دارد که هیچ رابطه حقوقی، بی‌تأثیر از عنصر زمان نیست.^۳ لذا توسعه هر دوشاخه حقوق بین‌الملل در گذر زمان تقابل بین این دو رژیم حقوقی را بیشتر می‌کند که تفسیر پویا ابزاری برای بیرون کشاندن این ارتباطات از دل تعارضات است؛ اما هدف از یافتن این رابطه و ارتقای آن ایجاد قواعد جدید نیست بلکه تطابق با وضعیت‌ها و نیازهای جدید است.

چندپارگی در حقوق بین‌الملل از منظر عملی توجه حقوق‌دانان را برانگیخته است. لذا «هم‌زمان که کثرت در درون سیستم حقوق بین‌الملل مسائلی جدی مانند احتمال بروز تعارض در میان هنجارها، تأسیسات و نهادهای حقوقی و چگونگی پیشگیری یا حل تعارض و مسائلی از این دست را مطرح می‌سازد؛ به همان میزان لازم است به رهیافت‌ها و رویکردهای مطرح و واقعیت‌های عینی در این راستا توجه شود. لازم است تا به طرح الگوهای از حقوق بین‌الملل پرداخته که در آن ضرورت وحدت در حقوق بین‌الملل

زیر اعلام خواهد شد. همچنین از آنجا که سعادت و ترقی این اقوام، رسالت مقدس تمدن انسانی است، لازم است که در میثاق کنونی وسیله اجرای این رسالت به نحو شایسته‌ای تامین شود.

۱. برای کسب اطلاع بیشتر در مورد پرونده‌هایی که دیوان بین‌المللی دادگستری از روش تفسیر تکاملی استفاده نموده است رک به:

محمد حبیبی مجنده، ساناز کامیاراد، «قاعده‌سازی در دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای تفسیر پویا»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۸۵، (۱۳۹۷)، ص ۶۵-۸۸

۲. البته دیوان، تفسیر ایستا را نیز در برخی پرونده‌ها مد نظر دارد. برای مثال در قضیه حقوق اتباع ایالات متحده آمریکا در کشور مراکش (۱۹۵۲)؛ دیوان در مقام تفسیر واژه اختلاف در معاهدات ۱۷۸۷ و ۱۸۳۶ عنوان داشت: (واژه اختلاف می‌بایست با توجه به زمان انعقاد دو معاهده تفسیر شود)

Case Concerning Rights of Nationals of the United States of America in Morocco, (Judgment) [1952] ICJ rep, p.189.

3. ILC reports, UN Doc. A/CN.4/L.682, paras.241.

نادیده انگاشته نشود»^۱ چندپارگی حقوق بین‌الملل زمینه تقابل و تعامل بین دو رژیم حقوقی بشر و دریاها را فراهم کرد اما برخورد و هم‌کنشی بین این قواعد منجر به آن گردید تا یکدیگر را کامل کنند. گسترش فعالیت انسان در دریا زمینه تقابل و تعامل بین تعهدات هر دو رژیم را افزایش می‌دهد.

نقش و جایگاه افراد در حقوق دریاها در حال رشد و توسعه می‌باشد. توسعه حقوق بشر در دریا موضوعی است که هنوز نتوانسته جایگاه خود در حقوق دریاها را تکامل بخشد، لکن این اقدام هرچند ابتدایی گام مهمی برای توسعه هرچه بیشتر حقوق بشر و حقوق دریا محسوب می‌شود. در واقع چندپارگی در حقوق بین‌الملل و بین قواعد آن لزوماً منجر به پیامد منفی در حقوق بین‌الملل نمی‌گردد. نگاهی موشکافانه می‌تواند از این چندپارگی، وحدتی را حاصل نماید. به نظر می‌رسد گزارش کاسکنیمی در مورد "چندپارگی در حقوق بین‌الملل" به دنبال ارتقای حقوق بشر بعنوان سیستم واحد در برخورد با سایر قواعد است.

تعارض بین قواعد حقوق بشر و حقوق دریاها، از یک طرف چندپارگی در حقوق بین‌الملل را توسعه می‌دهد، از طرف دیگر اما توسل به ابزار و روش‌های مختلف حقوقی می‌تواند این چندپارگی را به وحدتی منجر سازد. به‌زعم برخی اندیشمندان، امروزه حقوق بشر در تمامی شاخه‌های حقوق بین‌الملل توسعه یافته است. گویی سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل در پرتو حقوق بشر تدوین و توسعه یافته‌اند. بعبارت دیگر، حقوق بشر همانند یک درخت در سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل ریشه دوانیده و به حدی توسعه یافته است که می‌توان با جرات بیان داشت باید سایر قواعد حقوق بین‌الملل در پرتو حقوق بشر تفسیر و توسعه یابند. به همین دلیل حقوق بین‌الملل به سمت فردمحوری توسعه می‌یابد نه دولت‌محوری؛ لذا حقوق دریاها به سمت انسانی شدن در حرکت است و حقوق بشر برای آنکه بتواند در دریا اجرا شود نیازمند قواعد حقوق دریاها است.

سپاسگزاری

بدین وسیله از صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری) به منظور حمایت از این مقاله و پروژه "واکاوی تعهدات

۱. آرامش شهبازی، نظام حقوق بین‌الملل: وحدت در عین کثرت (تهران: شهر دانش، ۱۳۸۹) ص ۳۲.

زیست محیطی دولت‌های حاشیه دریای خزر در کنوانسیون آکتائو در پرتو دکترین امنیت انسانی" (با شماره ۹۹۰۲۷۵۱۵) تشکر می‌شود.

ORCID

Zahra Sadat Sharegh



<https://orcid.org/0000-0003-2442-1988>

Hosein Rezazadeh



<https://orcid.org/0000-0002-5258-8067>

منابع

کتاب‌ها

- فلسفی، هدایت‌اله، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل (تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۶).
- شریف، محمد، گذار از حقوق بین‌الملل به حقوق بشر، چاپ اول (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳).
- شهبازی، آرامش، نظام حقوق بین‌الملل: وحدت در عین کثرت (تهران: شهر دانش، ۱۳۸۹).

مقاله‌ها

- عبدی، ایوب، سید قاسم زمانی، «حاشیه صلاح دید دولت‌ها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۵، (۱۳۹۶).
- حبیبی مجنده، محمد، ساناز کامیاراد، «قاعده‌سازی در دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای تفسیر پویا»، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۵۸، (۱۳۹۷).
- محبی، محسن، وحید رضادوست، «تفسیر تکاملی معاهدات در حقوق بین‌الملل در پرتو قضیه اختلاف در خصوص کشتیرانی و حقوق مربوط به آن»، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۵۳، (۱۳۹۴).

پایان‌نامه‌ها

- امین رعایا، یاسر، نقش دکترین صلاح دید در تفسیر معاهدات بین‌المللی، رساله مقطع دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، (۱۳۹۳).
- پارسانیا، نفیسه، اصول تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، (۱۳۸۹).

انسانی شدن حقوق دریاها در پرتو تعامل حقوق بشر و حقوق دریاها | شارق و رضازاده | ۲۳۵

- حسینی اکبرنژاد، حوریه، اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، (۱۳۸۶).
- فرزانه، یوسف، انسانی شدن حقوق بین الملل در پرتو نظریه مسئولیت حمایت با تاکید بر دیدگاه اسلام، دانشگاه پیام نور، رشته حقوق بین الملل عمومی، (۱۳۹۳).

References

Books

- Falsafi, Hedayatollah, *The Course of Reason in the System of International Law*, (Tehran, Nashrenow in collaboration with Nashr Asim, 2017). [In Persian]
- Harrison, James, *Making the Law of the Sea* (United Kingdom: Cambridge University, 2005).
- Papanicolopulu, Irini, *International Law and the Protection of People at Sea* (United Kingdom: Oxford University Press, 2018).
- Pauwelyn, Joost, *Conflict of Norms in Public International Law* (United Kingdom: Cambridge University, 2003).
- Shahbazi, Aramesh, *International Legal System: Unity While Plurality*, (Tehran, S.D Institution of Law Research and Study, 2010). [In Persian]
- Sharif, Mohamad, *Transition from International Law to Human Rights*, First Edition, (Tehran, S.D Institution of Law Research and Study, 2014). [In Persian]
- Young, Margaret A., *Regime Interaction in International Law: Facing Fragmentation*, (Netherland: University Leiden, 2011).

Articles

- Abdi, Ayub & Zamani, Seyed Qasem, "Margin of Appreciation in Religious Freedom in Light of the Jurisprudence of European Court of Human Rights", No.55, (2014). [In Persian]
- Borgen, Christopher, "Resolving Treaty Conflicts", *George Washington International Law Review*, Vol. 37, (2005).

- Czaplinski, W. and G. Danilenko, “Conflicts of Norms in International Law”, Netherlands Ybk Int’l L. 1, (1990).
- Elferink, Alex G. Oude, “The Arctic Sunrise Incident: A Multi-faceted Law of the Sea Case with a Human Rights Dimension”, Marine and Coastal Law, Vol. 29, (2014).
- Habibi Majandeh, Mohammad & Kamyar Raad, Sanaz, “Law-Making by the International Court of Justice through Dynamic Interpretation”, International Law Review, No.58, (2015). [In Persian]
- Koskenniemi, M. and Päivi Leino, “Fragmentation of International Law? Postmodern Anxieties”, Leiden Journal of International Law, No.15, (2002).
- Mendelson, M.H., “Fragmentation of the Law of the Sea”, Marine Policy, Volume 12, Issue 3, (1988).
- Mohebi, Mohsen & Rezaoust, Vahid, “Evolutive Interpretation of Treaties in International Law in the Light of Dispute Regarding Navigational and Related Rights Case (Costa Rica v. Nicaragua)”, International Law Review, No.53, (2012). [In Persian]
- Papastavridis, E., “The Right of Visit on the High Seas in a Theoretical Perspective: Mare Liberum v. Mare Clausum Revisited”, Leiden Journal of International Law, Volume 24, Issue 1, (2011).
- Polychroniou, C. J., “Human Rights, State Sovereignty, and International Law: An Interview with Richard Falk”, (2018), available at: [https:// www. Globalpolicyjournal, com/ blog/ 11/ 09/ 2018/ human-rights-state-sovereignty-and-international-law-interview-richard-falk](https://www.globalpolicyjournal.com/blog/11/09/2018/human-rights-state-sovereignty-and-international-law-interview-richard-falk).

Academy Course

- Trinidad, Antonio Agust Cancado, *International Law for Humankind, the Hague Academy of International Law Monographs* (Netherland: ARCADI, Volume 8, 2013).

Jurisprudence

- ITLOS Press Release, “Case Concerning the Conservation and Sustainable Exploitation of Swordfish Stocks in the South-Eastern Pacific Ocean”, (2000).

- ITLOS Report, The M/V 'Louisa' Case(no.18) (Saint Vincent and the Grenadines v Kingdom of Spain) (Judgment of 28 May 2013).
- ITLOS Report, The Arctic Sunrise Case(no.22) (Kingdom of the Netherlands v Russian Federation) (Provisional Measures, Order of 22 November 2013).
- ITLOS report, The MOX Plant Case, (Ireland v. United Kingdom), (Provisional Measures), (2001).
- ITLOS Report, M/V "Saiga", (No. 2) (St. Vincent v. Guinea), (Judgment (1 July 1999)
- ITLOS report, M/V "Saiga", (No. 2) (St. Vincent v. Guinea), (order of 1998), (Dissenting Opinion of Judge Ndiaye).
- ITLOS Report, The 'Juno Trader' (no.13) (Saint Vincent and the Grenadines v Guinea-Bissau) (Prompt Release, Judgment of 18 December 2004).
- Constitutional court of South Africa, The Government of the republic of South Africa v. Irene Grootboom (Case CCT 11/00) (2000), paras.7-10, Available at: [http:// www. saflii. org/za/cases/ZACC/2000/19.html](http://www.saflii.org/za/cases/ZACC/2000/19.html).
- ECtHR (Fourth Section), Appleby and Others v. The United Kingdom, (judgment of 6 May 2003).
- ECtHR (Second Section), Women on Waves et autres c. Portugal, (Judgment of 3 February 2009).
- ECtHR, Andreou v. Turkey, (Application No. 45653/99), (2010).
- ECtHR, Cyprus v. Turkey, (Judgment of 10 May 2001, 2001-IV).
- ECtHR, Al-Skeini v. UK, (Application No. 55721/07), (2011).
- ECtHR, Hirsi Jamaa v. Italy, (app. no. 27765/09), 2012.
- ECtHR, McElhinney v. Ireland, (Judgment of 21 November 2001).
- ECtHR, Medvedyev v. France, (Application No. 3394/03), (2010).
- ECtHR, Nada v Switzerland, (Application No. 10593/08), (12 September 2012).

- ECtHR, *Women on Waves et autres c. Portugal*, (Judgment of 3 February 2009).
- ICJ Rep, *United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (U.S. v. Iran)*, (1980).
- ICJ Rep, *Corfu Channel case (UK v. Albania)*, Individual Opinion by Judge Alvarez, (1949).
- ICJ Report, *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, (Advisory opinion) (1996)
- ICJ Report, *The Right of Passage over Indian Territory (Preliminary Objections) (Portugal v. India)*, (1957).
- ICJ Report, *Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (DRC v Uganda)* (2005).
- ICJ report, *Corfu Channel (U.K. v. Albania)*, (1949).
- ICJ Report, *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Territory*, (Advisory Opinion) (2004).
- ICJ Reports *Legal consequence for states of the continued presence of south Africa in Namibia*, (Advisory Opinion), (1971).
- PCA rep. *The Arctic Sunrise Arbitration (Netherlands v Russia)*, (Award of 14 August 2015).
- PCIJ, *S.S. Wimbledon (U.K./Japan)*, ser. A, No. 1, (1923).
- *The Award of the Arbitral Tribunal on the dispute concerning access to information under article 9 of the OSPAR Convention, Ireland v. United Kingdom*, 42 ILM, (2003).

Documents

- ILC reports, UN Doc. A/CN.4/L.682.
- *Ocean and Law of the Sea*, Report of the Secretary-General. Addendum, 31 August 2012, A/67/79/Add.1.
- UNSC RES/1816(2 June 2008).

Thesis

- Amin Roaya, Yaser, The Role of Discretionary Doctrine in the Interpretation of International Treaties, Phd thesis, Allameh Tabataba'i University, (2014). [In Persian]
- Parsania, Nafiseh, Principles of Interpretation of the European Convention on Human Rights in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights, Master Thesis, Tehran University, (2010). [In Persian]
- Hosseini Akbarnejhad, Hurieh, Extraterrestrial Implementation of Human Rights Obligations, Master Thesis, Tehran University, (2007). [In Persian]
- Farzaneh, Usuf, The Humanization of International Law in the Light of the Theory of the Responsibility of Protection with Emphasis on the View of Islam, Payame Noor University, (2014). [In Persian]